

در هفته‌های گذشته، سومین کنگره شورا های اسلامی برای تدوین قانون کار در مشهد تشکیل شد (اولین کنگره در بهمن ماه ۵۸ در تهران بود و دومین کنگره در اردیبهشت ۵۹ در اصفهان تشکیل شده بود). ولی با کمال تعجب دیدیم که در هیچ کدام از کنگره‌ها از زنان کارگر بهیچ وجهی اشاره‌ای به لزوم شرکت زنان در اینطور کنگره‌ها و تصمیم شرکت نمایندگی نیست. در قطعنامه‌های کنگره هم هیچ اشاره‌ای به لزوم شرکت زنان در چند ماه مهیم و پراز گیری‌ها نشده بود. در پیش نویس قانون کار کنگره هم در بخش مربوط به زنان و کودکان در چند ماه مهیم و پراز اگرچه فقط به مهد کودک و شب کاری و اینطور چیزها اشاره شده بود. در حالیکه اگر زنان کارگر نمیتوانستند در کنگره شرکت کنند و از حقوق خودشان دفاع کنند می گفتند که باید کارفرما، مهد کودک و شیرخوارگاه بهداشتی یا پرستار معلم برای کودکان زحمتکشانی که از طلوع تا غروب شیره جان نشان را بصورت سود می‌دهد، ایجاد کند باید در مقابل کارساز، به زنان و مردان مزد مساوی بدد. باید در هنگام بارداری به زنان کارگر حداقل سه ماه مرخصی یا حقوق بدد. باید کلاس‌های سوادآموزی برای زنان بیسواد کارگر در محل کارخانه تشکیل بدد، و بسیاری چیزهای دیگر.

معنی حقوق برابر زن و مرد هم که آنقدر از آن دم میزنند همین است که زنان همانطور که همسر و پاپای برادران و شوهران خود کار میکنند، بتوانند از حقوق یکسان هم برخوردار باشند و در تصمیم گیریها سهم داشته باشند، بتوانند در شوراها شرکت کنند و در تدوین قانون کار نظیرند و از حقوق زنان دفاع کنند. اینها در حال حاضر زنان در این طور مسائل کمتر شرکت میکنند و از مردان عقب تر هستند، بخاطر این است که زنان کارگر بار بسیار سنگینی بردوش دارند، صبح تا عصر باید در کارخانه جان بکنند و عصر هم که بخانه می‌آیند بجای استراحت باید بچه‌داری و بیخت و بیز کنند. زنهای کارگر از مکان تحصیل و آموزش بی بهره‌اند، حتی اگر دلشان هم بخواهد نمیتوانند تحصیل کنند، روزنامه بخوانند و... چون هیچ فرصتی برای آنها باقی نمیماند در نتیجه نسبت به مردان آگاهی کمتری دارند. کارفرمایان هم از ناآگاهی آنها استفاده کرده به آنها در مقابل کار مساوی یا مردان مزد کمتری میدهند. در سخت ترین شرایط حتی موقع حال ملکی آنها را مجبور به کار میکنند، هرچه بیشتر آنها را از مسائل اجتماعی دور نگه میدارند تا نتوانند حق خودشان را بگیرند.

امروز ما هم می‌کنیم که در کنگره شورا های اسلامی نه تنها به مسئله حقوق اجتماعی زنان، آموزش آنها و رشد آگاهی آنها هیچ توجهی ننموده‌اند بلکه زنان را در ردیف اطفال قرار داد و برای آنها تقسیم تعیین کرده‌اند چنانکه در ماده ۱۵ پیش نویس پیشینها می‌گوید کنگره آمده است "بنا بر مرسوم زنان بر اساس شرع اسلام بدون اجازه کتبی شوهر حرام و ممنوع است".

ما می‌گوئیم: زنان زحمتکش ما احتیاج به تقسیم ندارند، زیرا آنچه آنها را وادار به کار کردن در بدترین شرایط میکند مشکلات زندگی است. مثل گرانی، بالا بودن کرایه مسکن و خلاصه احتیاجات اقتصادی که با آن دست به گویانند. اگر آگاهی کمتری نسبت به مردان دارند به این علت است که در خانه بوده‌اند و اجازه نداده‌اند تحصیل کنند. روزنامه بشوند و به حقوق خود پی ببرند. برای همین است که می‌گوئیم زنان ما برای کسب حقوق خود به آموزش احتیاج دارند و باید توجه خاصی به این مسئله بشود، باید علاوه بر توجه به مشکلات آنها نظیر مهد کودک، شیرخوارگاه، حقوق مساوی، مرخصی بارداری و بعد از سه ماه کارسخت و... امکانات آموزشی مخصوص زنان در کارخانه‌ها فراهم شود زیرا مسائل زنان فقط در شیرخوارگاه و مهد کودک خلاصه نمیشود. همانطوریکه گفتیم این مشکلات باید حتماً برطرف شود ولی محترماً زحمه اینها، مسئله آموزش و کمک به رشد آگاهی زنان با این هدف است که بتوانند همانند مردان در کلیه امور در کارخانه و در سطح کل جامعه نقش فعال و تصمیم گیرنده داشته باشند و اینها چیزهایی هستند که در کنگره شوراها کمتر اشاره‌ای هم به آن نشده است. در مقابل زنان کارگر هم باید مبارزه کنند باید سعی کنند در شوراها در کنگره‌ها شرکت فعال داشته باشند و نظراتشان را ارائه دهند و از حقوق خود دفاع کنند.

به امید آنکه زنان روز بروز نقش بیشتری در فعالیتهای اجتماعی داشته باشند.